**١ - ایّام هاء ، نوروز**

مقدّمةً صورت نامهٴ نبیل زرندی است که از عکّا فرستاده بود قوله : " در کتاب اقدس از برای من فی العالم چهار عید مقرّر شده که اهل بها در آن اعیاد مبارکه لحبّ اللّه بقدری که منافی با حکمت منزلهٴ در الواح اللّه نباشد اجتماع و ملاقات نمایند و در غیر آن ایّام جمیع باشتغال و اکتساب و اقتراف مشغول شوند و آن اشتغال را نفس عبادت غنی متعال دانند تا بدینواسطه خلق از بطالت و کسالت که اکثر آفاق را گرفته نجات یابند .

اوّل یوم البهاء من شهر البهاء که یوم نوروز قدیم و عید صیام جدید بدیع است که مبدء شهور و سنه میباشد که اظهار نعمای الهی در آن محبوب محبوب عالمیان است دویّم عید اعظم که سلطان اعیاد است و آن ایّامی است که جمال قدم از بیت اعظم اشراق نموده رضوان نجیبیّه را بنور جمال مزیّن فرمودند و آنرا عید رضوان و عید گل هم میگویند و آن دوازده روز است از اوّل ورود جمال قدم بآن رضوان که عصر سی و دویّم از نوروز تا خروج از رضوان که ظهر یوم چهل و سیّم عید نوروز است و در سه روز آن اشتغال حرام است و نهی شده یوم اوّل که از عصر اول است تا عصر یوم بعد ( در تمام آن روز اول اشتغال حرام است ) و یوم نهم و یوم آخر و در باقی ایّام باکتساب مشغول شوند عید سیّم یوم پنجم جمادی الاولی سنهٴ یکهزار و دویست و شصت که قریب اذان عشای آن شب حضرت اعلی روح العالمین فداه بأمر سلطان یفعل ما یشاء برای جناب باب الباب علیه بهاء اللّه العزیز الوهّاب اظهار امر فرمودند لذا آن شب و روز را عند اللّه قدر عظیم است و اعزاز آن عید مبارک بر جمیع اهل بهاء از اوامر اللّه است چهارم عید مولود جمال قدم که فجر دویّم ماه محرّم سنهٴ یکهزار و دویست و سی و سه بنور جمال خود کلّ عالم را منوّر فرمودند در تاریخ مولود مبارک در آن مثنوی که در ارض سرّ بامر سلطان مقتدر از ابتدای خلقت عالم تا یوم میلاد آن نیّر اعظم مرقوم شد این فرد از لسان بقلم جاری شد : مستعد باشید یاران مستعد جاء غیب لم یِلدْ یُولَدْ وُلِدْ ( مصراع دوم تاریخ است که اگر جاء بغیبی لم یلد یولد ولد بخوانیم با ١٢٣٣ منطبق میباشد ) باری آن یوم مبارک از اشرف و اکبر اعیاد و یوم اوّل محرّم نیز مولود حضرت مبشر جمال ابهی حضرت ربّ اعلی روح العالمین له الفداء است که در نیمه شب اوّل محرّم سنهٴ یکهزار و دویست و سی و پنج بوده و هر روز یک عید محسوب است ( چون یوم اوّل محرّم را عید جداگانه و منتهی بدوم محرّم بدانیم چنانچه از خود کتاب همین مستفاد است اعیاد مذکور در کتاب پنج میشود ) و سال هم نوزده ماه مقدّر و هر ماه نوزده روز که عدد جمیع سیصد و شصت و یک عدد میشود چون ایّام سال شمسی سیصد و شصت و پنج و بعضی سالها سیصد و شصت و شش روز است پنج یوم زائده و کسر را که مظاهر هاء و ایّام اعطاء قبل از امساک مقرّر فرموده‌اند باید قبل از شهر صیام قرار داد و ماه صیام ماه آخر است روز نوروز عید و اوّل سال است و اسامی نوزده ماه را باین نحو مقرّر فرموده‌اند ماه اوّل شهر البهاء دویّم شهر الجلال سیّم شهر الجمال چهارم شهر العظمة پنجم شهر النّور ششم شهر الرّحمة هفتم شهر الکلمات هشتم شهر الکمال نهم شهر الأسماء دهم شهر العزّة یازدهم شهر المشیّة دوازدهم شهر العلم سیزدهم شهر القدرة چهاردهم شهر القول پانزدهم شهر المسائل شانزدهم شهر الشّرف هفدهم شهر السّلطان هیجدهم شهر الملک نوزدهم شهر العلاء همچنین این نوزده اسم اللّه را در اسامی ایّام هر ماه از ابتدا تا یوم نوزدهم اطلاق میشود مثلاً یوم اوّل هر ماه یوم البهاء دویم یوم الجلال سیّم یوم الجمال ، بهمین نحو تا آخر و اسامی ایّام هفته را نیز از اسماء اللّه تعیین فرموده‌اند مثلا شنبه یوم الجلال یکشنبه یوم الجمال دوشنبه یوم الکمال سه شنبه‌یوم الفضال چهارشنبه یوم العدال پنجشنبه یوم الاستجلال جمعه یوم الاستقلال و بدو سنه از سنهٴ اوّل ظهور است از واحد اوّل از اوّل تعداد نموده تا بنوزده که یک واحد است منتهی شود ثانیاً واحد دیگر و کذا ثالثاً الی ما لا نهایة ولی در تعداد سنه از اوّل و دویّم و سیّم الی عدد واحد اوازید تعداد و ذکر واحد اوّل و ثالث الی اَیِّ عددٍ یُعَدّ باید ذکر شود مثلاً تا واحد منتهی نشده مرقوم میشود سنهٴ اوّل یا دویّم یا سیّم از واحد اوّل و چون نوزده تمام شد سنه اوّل یا چهارم یا نهم مثلاً از واحد ثانی و یا ثالث و یا رابع الی ما لا نهایة مرقوم گردد ( و چون اصطلاح کلّشئ در ضریب عدد نوزده در نفس خود باعتبار بیاوریم و هر نوزده واحد را یک کلّشئ بخوانیم و نیز نامهای باب و ابد و غیرهما را مثلاً برای سال پنج و هفت و غیرهما اطلاق کنیم که نبیل در نوشته‌های دیگرش کرد پس مثلاً در تاریخ چنین نویسیم در سنهٴ ابد از واحد پنجم از کلّشئ هفتم و بر این قیاس است )

در کتاب اقدس است قوله جلّ و عزّ : " اِنّ عِدَّةَ اَلشّهُورُ تِسعَةُ عشَر شهراً فی کتاب اللّه قد زُیِّنَ اوّلُها بهذا الاسمِ المهیمِنِ علی العالمین " ...

و قوله جلّ و عزّ : " و جعلنا النّیروز عیداً لکم ... و اجعلوا الایّام الزّائدة عن الشّهور قبل شهر الصّیام انّا جعلناها مظاهر الهاء بین اللّیالی و الایّام لذا ما تحدّدت بحدود السّنة و الشّهور ینبغی لأهل البهاء ان یطعموا فیها انفسهم و ذوی القربی و المساکین و یهلّلن و یکبّرن و یسبّحن و یمجّدن ربّهم بالفرح و الانبساط و اذا تمّت ایّام الاعطاء قبل الامساک فلیدخلنّ فی الصّیام کذلک حکم مولی الانام طوبی لمن فاز بالیوم الاوّل من شهر البهاء الّذی جعله اللّه لهذا الاسم العظیم طُوبی لِمن یُظهِرُ فیه نعمَة اللّه علی نفسه انّه ممنّ اظهر شکر اللّه بفعله المدلّ علی فضله الّذی احاط العالمین قل اِنَّه لَصَدْرُ الشهور و مَبدَئها و فیه تَمُّرُ نَفحَةُ الحیات علی الممکنات طوبی لِمَن اَدْرَکهَ بالرّوح و الرّیحان نشهد اِنَّه مِنَ الفائزین "

و در رساله سؤال و جواب است : " هر روز شمس تحویل شود همان یوم عید است اگر چه یک دقیقه بغروب مانده باشد و امّا در فقرهٴ عید صوم ایام زائده شهور قبل از ایّام صوم است و بعد وارد در صوم شوند و نوزده یوم تمام باید صائم شوند و یوم منسوب باسم اعظم که یوم عید است اگر تحویل مثلاً بعد از ظهر یا عصر واقع آن روز عید خواهد بود چه که مثل آن ساعت مثل شمس است اشراق آن بر کلّ آن یوم واقع میشود و مخصوص چون باسم اعظم منسوب است حکم عصر آن یوم مثل فجر عند اللّه محسوب است لذا در هر وقت از یوم که تحویل شود آن یوم عید خواهد بود طوبی للمتّقین .